

فلسفه‌ی مهدویت در مذاهب توحیدی

بخش اول

میترا عباس زادگان

دبیر ناحیه‌ی ۳ و ۴ تبریز

عضو گروه فلسفه و منطق استان آذربایجان شرقی

چکیده

به دلیل تغییر کتاب بینش اسلامی (۳) و طرح این مطلب در کتاب جدید التالیف دین و زندگی (۳) و نیز اهمیت وافر آن در تمام ادیان آسمانی، در مقاله‌ی حاضر تلاش شده است، این اعتقاد از طریق منابع معتبر، مانند کتب گوناگون آسمانی و احادیث و سخنان بزرگان دینی بررسی و موارد مورد اختلاف تحلیل شود. هم‌چنین مواردی که در اسلام و منابع پیشینیان، مشابه و یا یکسان هستند بررسی شده است. در این راستا مطالبی که حاوی الفاظی چون «احتمالاً» و «شاید» هستند، استنباط نگارنده است. کلید واژه‌ها: مهدی موعود، انجیل، زبور، اهل سنت، قرآن کریم.

جستارگشایی

مسئله‌ی حکومت واحد جهانی مصلح آخرالزمان، مورد توافق اسلام و مسیحیت و حتی آیین زرتشت است. پیروان همه‌ی ادیان (آیین‌های وحیانی) عقیده دارند، در عصری تاریک و بحرانی که فساد و بیدادگری و بی‌دینی همه‌جا را فرا می‌گیرد، نجات دهنده‌ای بزرگ و جهانی طلوع می‌کند و به واسطه‌ی نیروی فوق‌العاده‌ی غیبی، اوضاع آشفته‌ی جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادیگری غلبه می‌دهد. این نوید خوش را در تمام کتاب‌هایی که به عنوان کتاب آسمانی باقی مانده‌اند، می‌توان یافت؛ «زند و پازند» و «جاماسب‌نامه» که از کتاب‌های مقدس زرتشتیان هستند، «تورات» و ملحقات آن که کتاب مقدس یهود شمرده می‌شود و «انجیل» عیسویان. هرملتی مصلح آخرالزمان را با لقب مخصوصی می‌شناسد. زرتشتیان او را «سوشیانس» یا «سوشیانت» به معنای نجات‌دهنده‌ی جهان و سودرساننده می‌نامند و یهودیان وی را به نام «شیلو» و یا «ماشیح» که به معنای تدهین شده با روغن مقدس است، می‌شناسند. عیسویان نیز او را «پسر انسان یا روح راستی یا تسلی دهنده» و یا «مسیح» که تغییر یافته‌ی ماشیح است و مسلمانان «مهدی یا قائم» به معنای قیام‌کننده می‌نامند. نتیجه آن که عقیده به ظهور نجات‌دهنده‌ای فوق‌العاده و جهانی، یک عقیده‌ی مشترک دینی است؛ چرا که از مصدر وحی سرچشمه گرفته است و همه‌ی پیامبران بدان بشارت داده‌اند و همه‌ی ملل در انتظار آن هستند، ولی در تطبیق آن خطا شده است [امینی، ۱۳۵۲].

ظهور نکرده است. در مجموع در آثار آنان چهره‌ی سه موعود ترسیم می‌شود: حضرت مسیح (ع) حضرت محمد (ص) و حضرت مهدی (ع). [حکیمی، ۱۳۶۰: ۷۰؛ قاضی سعیدی، سایت مشفق].

یهودیان مصلح آخرالزمان را با نام «شیلو» می‌شناسند و معتقدند که اگر چه تأخیر می‌کند، ولی خواهد آمد و همه‌ی ملت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمام قوم‌ها را برای خویشتن فراهم می‌آورد [ابطحی، ۱۳۷۶].

مهدی موعود در عهد عتیق (تورات و ملحقات آن)

در آیین یهود، از جمله در کتاب «نبوئت هیلد» (وحی کودک)، مطالب بسیاری درباره‌ی ظهور پیامبر اکرم (ص) و به قسمت‌هایی از تاریخ و احوال پیامبر و حوادث مربوط به بعثت و پاره‌ای از علائم آخرالزمان و رجعت و به شخصیت امام مهدی (ع) آمده و حتی به واقعه‌ی عاشورا اشاراتی شده است. چون یهودیان به حضرت مسیح (ع) ایمان نیاوردند، موعود آنان هنوز

در ادامه به نمونه‌هایی از بشارات منجی عالم اشاره می‌شود که در کتب عهد عتیق آمده است.

نوید ظهور حضرت مهدی (عج)

الف) در کتاب «اشعیاء نبی (ع)»: او یکی از پیامبران پیر و تورات است و در کتابش بشارات فراوانی درباره‌ی حضرت مهدی (عج) آمده است. در این کتاب می‌خوانیم: «و نهالی از تنه‌ی یسی^۱ بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد نمود و بر وفق سمع گوش‌های خویش، تنبیه نخواهد نمود؛ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد نمود... و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید... و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادی نخواهد کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آن‌هایی که در یارامی پوشاند» [تورات، کتاب اشعیای نبی، باب ۱۱، پندهای ۱۰-۱: ۱۵۴۸، کتاب مقدس؛ باباپور، اعتقاد به مهدویت در ادیان الهی؛ دوانی، ۱۳۴۹: ۱۲؛ مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۷۹].

نکته: «نهالی که از تنه‌ی یسی^۱ خواهد روید» ممکن است به یکی از چهار نفر از شخصیت‌های بزرگ روحانی و رهبران عالی قدر بشر، حضرت داود، حضرت سلیمان، حضرت عیسی و حضرت حجت بن الحسن العسکری (ع) اشاره داشته باشد. ولی بررسی کامل آیات فوق نشان می‌دهد که منظور از این نهال، هیچ یک از آن پیامبران نیست؛ بلکه همه‌ی آن بشارات‌ها ویژه‌ی قائم آل محمد (ع) است. زیرا حضرت داود و سلیمان (علیهم‌السلام) فرزندان پسری یسی^۱، و حضرت عیسی بن مریم (ع) نواده‌ی دختری وی، و قائم آل محمد (ع) نیز از جانب مادرش نرجس خاتون - که دختر یسوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی (ع) است و نسب شریفش به شمعون صفا، وصی حضرت عیسی (ع) می‌رسد - نواده‌ی دختری «یسی» است.

جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست که مقصود از «ملک» در مزمور ۷۲ از زبور داود (ع)، همان حضرت محمد (ص) و مقصود از «ملک زاده»، حضرت صاحب الزمان (ع) است و حکومت حقه‌ی وی تا ابد و تا قیام قیامت ادامه خواهد داشت

در فراز دیگری از آن بشارت آمده است که، در زمان حکومت حقه و دوران حکومت عدالت پیشه‌ی او «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید... و گوساله و شیرپروری با هم، و... ضرر و فسادی نخواهند کرد.» این جمله نشان می‌دهد که در زمان ظهور مبارک آن موعود آسمانی، عدل و داد چنان گسترش می‌یابد که جانوران و درندگان با هم سازش می‌کنند، کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و خوی بهیمنیت و درندگی را از دست می‌دهند، و زیان و ضرر به هیچ یک از موجودات نمی‌رسانند [سایت اندیشه، مهدویت در ادیان ابراهیمی].

ب) بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) در کتاب «زکریای نبی (ع)»: در کتاب زکریای نبی که یکی از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیر و تورات است، بشارت ظهور آن یگانه منجی عالم چنین آمده است: «اینک روز خداوند می‌آید و غنیمت تو در میانت تقسیم خواهد شد. و جمیع امت‌ها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد، و شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهند نمود، و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت، و بقیه‌ی قوم از شهر منقطع خواهند شد. و خداوند بیرون آمده با آن قوم‌ها مقاتله خواهند نمود، چنان‌که در روز جنگ مقاتله نمود. و در آخر آن روز پاهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است، خواهد ایستاد... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود، نه روز و نه شب، اما در وقت شام روشنایی خواهد بود، و یهوه (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. و در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد [تورات، کتاب زکریای نبی، باب ۱۴، بندهای ۱۰-۱: ۱۳۸۲؛ دوانی، ۱۳۴۹: ۱۲].

نکته: به جمله‌ی «جمیع امت‌ها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد، و شهر را خواهند گرفت» در قرآن چنین اشاره شده است: «چون فتنه نخستین فرا رسد، بندگان بسیار نیرومند خود را بر شما مسلط می‌گردانیم تا شما را در میان خانه‌ها جست‌وجو کنند و به قتل رسانند و بدانید که وعده‌ی خداوند انجام‌پذیر است» [بنی اسرائیل/۴].

در بعضی از تفاسیر شیعه اشاره شده است که این واقعه در زمان ظهور ولی عصر (ع) به وقوع خواهد پیوست. و هم چنین عبارت «روز خداوند» در کتاب زکریای نبی، با لفظ «ایام الله» در قرآن آمده است که به روز ظهور مهدی موعود (ع) مربوط است: «موسی را با آیات خود فرستادیم و گفتیم که قوم خود را از تاریکی به روشنایی بیرون آور و (روزهای خدا) را به یاد آنان بیاور که در این خصوص نشانه‌هایی است برای هر بردبار شکرگزاری» [ابراهیم/۵].

در تفسیر آن آمده است که خدا به موسی دستور داد به قومش خیر دهد، و روزهای خداوند سه روز است: روز قیامت و روز مرگ و روز ظهور قائم آل محمد [داونی، ۱۳۴۹: ۱۵-۱۴]. البته در روایتی دیگر از کتاب «الخصال» شیخ صدوق آمده است که مثنی حناط گفت: «شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود: روزهای خداوند عز و جل سه روز است، روزی که قائم قیام کند، روز رجعت و روز قیامت» [شجاعی، ۱۳۸۴: ۱۵۸].

ج) بشارت ظهور مهدی موعود در «زبور داود (ع)»: در زبور داود (ع) که با عنوان «مزامیر» در لابه‌لای عهد عتیق آمده است، درباره‌ی ظهور حضرت

در فرازی از این بشارت چنین آمده است: «موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خود تنبیه نخواهد نمود.» این جمله، به حاکمیت مطلق و حکومت عادلانه‌ی آن حضرت اشاره دارد؛ چرا که وی بر اساس حق و واقع، حکم می‌کند و به شاهد و بینه نیازی ندارد و از کسی گواهی نمی‌طلبد. چنان‌که در روایات اسلامی آمده است: «یحکم بحکم داود و محمد (ص)، یعنی به حکم حضرت داود و دستور پیامبر (ص) حکم می‌کند و با علم و دانش خدادادی خویش داوری می‌نماید.

مهدی نویدهایی داده شده است. جالب توجه است مطالبی که قرآن کریم در سوره انبیا در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) از زبور نقل کرده است، عیناً در زبور فعلی وجود دارد و از دست برد تحریف و تفسیر مصون مانده است

جالب توجه است مطالبی که قرآن کریم در سوره انبیا در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) از زبور نقل کرده است، عیناً در زبور فعلی وجود دارد و از دست برد تحریف و تفسیر مصون مانده است

[دوانی، ۱۳۴۹: ۱۱؛ مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۱۷۹].

قرآن کریم می فرماید: (ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون) [انبیاء/ ۱۰۵]: ما علاوه بر ذکر (تورات) در (زبور) نوشتیم که بندگان صالح من وراثت زمین خواهند شد.

نکته: مقصود از «ذکر» در این آیه ی شریفه، تورات موسی (ع) است و زبور داود (ع) پیرو شریعت آن بوده است. این آیه از آینده ی درخشانی بشارت می دهد که شر و فساد به کلی از عالم انسانی رخت بر بسته است و اشرار و ستمکاران نابود شده اند و وراثت زمین به افراد پاک و شایسته منتقل شده است. زیرا کلمه ی «وراثت و میراث» در لغت، در مواردی استعمال می شود که شخص و یا گروهی منقرض شوند و مال و مقام و همه ی هستی آن ها به گروهی دیگر به وراثت انتقال یابد.

به هر حال، طبق روایات متواتر اسلامی - از طریق شیعه و سنی - آیه ی یاد شده مربوط به ظهور حضرت مهدی (ع) است. قرآن کریم این مطلب را از زبور حضرت داود (ع) نقل می کند و همان گونه که گفته شد، عین همین عبارت در زبور فعلی موجود است. توجه: شماره ها مربوط به آیات زبور هستند.

«(۸) خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد شد. (۹) زیرا که شریران منقطع می شوند. اما متوکلان (منتظران) به خداوند، وراثت زمین خواهند شد. (۱۰) و حال اندک است که شریر نیست می شود که هر چند مکانش را جست وجو نمایی، ناپیدا خواهد بود. (۱۱) اما متواضعان وراثت زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد. (۱۲) شریر به خلاف صادق افکار مذمومه می نماید، و دندان های خویش را بر او می فشارد (۱۳) خداوند به او متبسم است چون که می بیند که روز او می آید. (۱۴) شریران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آن که مظلوم و مسکین را بیندازند، و کمان های ایشان شکسته خواهد شد. (۱۶) کمی صدیق از فراوانی شریران بسیار بهتر است. (۱۷) چون که بازوهای شریران شکسته می شود و خداوند صدیقان را تکیه گاه است. (۱۸) خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. (۱۹) در زمان «بلا» حجل نخواهند شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود. (۲۰) ولیکن شریران هلاک خواهند شد و دشمنان خداوند، مثل پیه بره ها فانی، بلکه مثل دود تلف خواهند شد. (۲۲) زیرا متبرکان خداوند، وراثت زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند گشت. (۲۹) صدیقان وراثت زمین می شوند و تا ابد در آن ساکن خواهند شد. (۳۴) به خداوند پناه ببر، راهش را نگه دار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید.

(۳۸) اما عاصیان، عاقبت مستأصل، و عاقبت شریران منقطع خواهند شد» [عهد عتیق، کتاب مزامیر، زمزمور ۳۷، بندهای ۳۸-۹؛ دوانی، ۱۳۴۹: ۱۰].

نکته: جمله ی «کمی صدیق از فراوانی شریران بسیار بهتر است» احتمالاً به یاران مهدی (ع) اشاره دارد که اندک اند، ولی با عنایت پروردگار، قدرتشان بسیار است و بر شریران مسلط می شوند. مقصود از «بازوهای شریران شکسته می شود» شاید این باشد که شریران دیگر حامیان خود را از دست خواهند داد و جهان برای آنان ناامن خواهد شد. جمله ی «دشمنان خداوند، مثل پیه بره ها فانی، بلکه مثل دود تلف خواهند شد» اشاره به نابودی ابدی دشمنان خدا دارد که تنها با ظهور مهدی (ع) به وقوع خواهد پیوست.

زمزمور ۷۲ در مورد پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و فرزند دادگسترش حضرت مهدی (ع)، چنین می فرماید: «(۱) ای خدا! شرع و احکام خود را به ملک، و عدالت خود را به ملک زاده عطا فرما. (۲) تا این که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به انصاف حکم کند. (۳) به قوم کوه ها سلامت و کویرها عدالت برساند. (۴) فقیران قوم را حکم کند و پسران مسکینان را نجات دهد، و ظالم را بشکند. (۵) تا باقی ماندن ماه و آفتاب دور به دور از تو بترسند. (۶) بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطار - که زمین را سیراب می گرداند - خواهد بارید. (۷) و در روزهای صدیقان شکوفه خواهند کرد و زیادتی سلامتی خواهد بود. (۸) از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصا زمین سلطنت خواهد کرد. (۹) صحرائشنان در حضورش خم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند بوسید. (۱۰) ملوک جزیره ها، هدیه ها خواهند آورد، و پادشاهان شبا و سبا پیشکش ها تقریب خواهند کرد. (۱۱) بلکه تمامی ملوک با او کرنش خواهند نمود و تمام امم او را بندگان خواهند کرد. (۱۲) زیرا فقیر را وقتی که فریاد می کند و مسکین که نصرت کننده ندارد، خلاصی خواهد داد. (۱۳) و به دلیل و محتاج ترحم خواهد فرمود و جان های مسکینان را نجات خواهد داد. (۱۴) جان ایشان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد، و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود. (۱۵) و زنده مانده از شبا به او بخشیده خواهد شد. (۱۶) در زمین به سرکوه ها مشت غله کاشته می شود که محصول آن مثل اسنان متحرک شده، اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه خواهند نمود (۱۷) اسم او تا ابد بماند. اسمش مثل آفتاب باقی بماند. (۱۸) در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت. (۱۹) بلکه اسم ذوالجلال او تا ابد مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود. (۲۰) دعای داود پسر یسی تمام شد [عهد عتیق، کتاب مزامیر، زمزمور ۷۲، بندهای ۲-۱، به نقل از بشارات عهدین: ۲۴۸ و آنیس الاعلام، ج ۵: ۹۳-۹۲].

نکته: در این بشارات پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) به عنوان «ملک» و فرزند گرمی اش حضرت مهدی (ع) به عنوان «ملک زاده» معرفی شده و به بعضی از امتیازات و مشخصات دیگر وی نیز اشاره شده است. ولی برخی از علما و دانشمندان «یهود» چنین پنداشته اند که منظور از «ملک» در این آیه، حضرت داود (ع)، و منظور از «ملک زاده»، فرزند وی حضرت سلیمان (ع) است، و روی این پندار نادرست خواسته اند، آیات مذکور را از بشارات دادن به بعثت حضرت خاتم النبیین (ص) و نوید ظهور خاتم اوصیاء حضرت حجت بن

الحسن العسکری (ع) منصرف کنند؛ ولی این اندیشه از چند جهت نادرست و غیرقابل قبول است، زیرا:

۱. حضرت داود (ع) از انبیای پیر و شریعت تورات بوده و خود او دارای شریعت و احکام نوینی نبوده است تا بگوید: «ای خدا! شرع و احکام خود را به ملک و عدالت خود را به ملک زاده عطا فرما». و روی این اصل، درخواست شریعت مستقل نوین در خور مقام آن حضرت نیست.

۲. این که درخواست شرع و احکام و عدالت که به صورت دعا بر زبان حضرت داود (ع) جاری شده - چنان که از نحوه درخواست آشکار است - برای دو شخصیت عظیم آسمانی است که یکی دارای مقام سلطنت بر پیامبران و صاحب شرع و احکام جدید، و دیگری مظهر عدالت، و صاحب مقام ولایت، و مورد انتظار عموم ملل جهان است.

۳. عظمت، قدرت، شوکت و سلطنتی که در آیات مزبور برای «ملک زاده» ذکر شده است، نه با حضرت سلیمان (ع) و نه با هیچ یک از انبیای الهی وفق نمی دهد. زیرا نه مملکت حضرت سلیمان (ع) از مملکت پدرش حضرت داود (ع) - بنابر اعتقاد اهل کتاب - وسیع تر بوده، و نه ظلم و ستم در عهد او شکسته شده است.

۴. برحسب آن چه برخی از علمای عهدین (عهد عتیق و عهد جدید تورات و انجیل) احتمال داده و استدلال کرده اند، مزبور فوق کلام حضرت سلیمان (ع) است، نه کلام حضرت داود (ع). حضرت سلیمان (ع) که پس از مرگ پدر، صاحب مقام و کتاب شده است، معقول نیست برای پدرش که از دنیا رفته است، درخواست شرع جدید کند. و بر فرض این که برخلاف احتمال آنان، مزبور فوق کلام حضرت داود (ع) باشد - چنان که اشاره کردیم - دعا برای دو شخصیت والایی است که در آینده تاریخ بعد از او ظاهر خواهند شد.

۵. چنان که از آیه ۲۰ استفاده می شود، تمامی آیات یاد شده به عنوان دعا بر زبان حضرت داود (ع) جاری شده اند و شایسته ی مقام نبوت این است که در مقام دعا و استدعا از پروردگار، در کمال خضوع و خشوع در برابر آفریدگار، زبان به تذلل و کوچکی بگشاید، و با زبان عجز و لابه و عاری از هر نوع خودبینی و خودپسندی، مقاصد خویش را از خدای جهان بخواهد؛ نه این که در برابر سلطان واقعی و مالک الملوک جهان خود را «پادشاه» و فرزند خود را «شاه زاده» بخواند.

۶. چند آیه از بشارت مزبور، سلطنت و دعوت «ملک زاده» را عمومی و جهانی خوانده، و قدرت وی را شامل پادشاهان و قدرتمندان مقتدر جهان دانسته، و سراسر جهان را قلمرو دولت وی معرفی کرده است؛ چنان که ائمه ی معصومین (ع) نیز در حق حضرت مهدی (ع) چنین سخن گفته اند.

۷. در آیه ی ۷، به اصحاب خاص آن حضرت اشاره شده است که با ظهور مهدی (ع) صدیقان شکوفه کنند، و اجتماع بزرگ جهانی، مردانی پاک سیرت، راست گفتار و درست کردار از خود نمایان سازد، و سعادت و سلامت، رفاه و خوش بختی، بهر وزی و بهزیستی تا انقراض جهان پایدار خواهد بود؛ چنان که در روایات اسلامی نیز آمده است: «دولتنا آخر الدول».

۸. آیه های ۱۷ و ۱۸، خاطر نشان ساخته اند که تا جهان باقی است و خورشید در آسمان نور افشانی می کند، مهدی موعود حکومت خواهد کرد و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت، و تمامی روی زمین از جلال و عظمتش پر خواهد شد؛ چنان که در روایات متواتر اسلامی که در مورد

ظهور آن حضرت رسیده است، کمتر حدیثی یافت می شود که در ضمن آن جمله ی: «یَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا، کَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» نیامده باشد.

یهودیان مصلح آخرالزمان را با نام «شیلو» می شناسند و معتقدند که اگر چه تأخیر می کند، ولی خواهد آمد و همه ی ملت ها را نزد خود جمع می کند و تمام قوم ها را برای خویشتن فراهم می آورد

بنابراین، جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست که مقصود از «ملک» در مزبور ۷۲ از زبور داود (ع)، همان حضرت محمد (ص) و مقصود از «ملک زاده»، حضرت صاحب الزمان (ع) است و حکومت حقه ی وی تا ابد و تا قیام قیامت ادامه خواهد داشت. ناگفته نماند که نویدهای ظهور حضرت مهدی (ع) در «زبور» فراوان هستند، و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، نوید ظهور آن منجی عالم موجود است^۲ [سایت اندیشه، مهدویت در ادیان ابراهیمی].

پی نوشت

۱. یسی به معنای قوی، پدر حضرت داود و نوه ی راعوت است، و به طوری مشهور بود که داود را پسر یسی می نامیدند؛ در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیغمبران بزرگ «بنی اسرائیل» بوده است.
۲. کسانی که طالب تفصیل بیشتری هستند، می توانند به متن «مزامیر» در «عهد عتیق» مراجعه فرمایند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آیت الله شجاعی، محمد (۱۳۸۴). بقیه الله. قم. انتشارات وثوق. چاپ اول.
۳. امینی، ابراهیم (۱۳۵۲). دادگستر جهان. تهران. دارالفکر، چاپ چهارم.
۴. ابطحی، سید حسن (۱۳۷۶). مصلح آخرالزمان. تهران. بطحاً. چاپ نمونه.
۵. دوانی، علی (۱۳۴۹). موعودی که جهان در انتظار اوست. قم. دارالعلم. چاپ چهارم.
۶. حکیمی، محمدرضا (زمستان ۱۳۶۰). خورشید مغرب. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۷. مجلسی، علامه (۱۳۷۸). بحارالانوار (ج ۱۳). ترجمه ی علی دوانی. دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشت.
۸. www.moshfegh.org - چکیده ی تحقیق انگلیسی «انتظار عمومی برای یک مصلح بزرگ» خانم قاضی سعیدی: چکیده ی مطالب همایش انس با امام زمان (علیه السلام)
۹. پاسخ به سؤالات آقای امجد در روشنگر تهران در باب یاران مهدی موعود
۱۰. سایت اندیشه: مهدویت در ادیان ابراهیمی

<http://www.andisheqom.com/pag.php?pg=mahdi&idVeiv>

=130&level=4&subid=130

۱۱. باباپور، حجت الاسلام محمد مهدی. اعتقاد به مهدویت در ادیان الهی و نقش آن در زمینه سازی ظهور آن حضرت (www.bashgah.net/index.php).